

زمان آن فرا رسیده که امت اسلامی جایگاه برتر خود را در جهان باز یابد

(ترجمه)

تنها اسلام می‌تواند بشریت را با رهبری فکری قیادت کند که به آرامش و عدالت دست یابد؛ زیرا اسلام بر اساس یک عقیدهٔ عقلی است که عقل را قناعت داده و با فطرت موافقت دارد. اسلام ارتباط انسان را از طریق عقاید و عبادات با خالقش، از خلال اخلاق، مطعومات و ملبوسات با خودش و از طریق معاملات و عقوبات با دیگر افراد بشر تنظیم می‌کند، قانون‌گذاری را برای عقل بشری - که در معرض نقصان، نیازمندی و تنوع با توجه به زمان و مکان و افراد می‌باشد- واگذار نکرده؛ چنانکه دست‌آورد قانون‌گذاری در نظام وضعی است. انسان اجازه ندارد که با تکیه بر مزاج و میل داخل جامعه در هر زمان مشخصی و یا بر اساس منافع قانون‌گذاران تعیین کند که چه چیزی صواب و چه چیزی خطاست؛ چه چیزی اخلاقی است یا غیر اخلاقی؛ بلکه تمام احکام و قانون‌گذاری‌ها از جانب ذات با حکمت و آگاه به همه امور است:

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [ملک: 14]

ترجمه: آیا کسی که آفرید، (از حالات آفریده خود) آگاه نیست؟ در حالی که او باریک بین و آگاه است.

پس اسلام عقیده‌ای است که دیدگاه انسان را نسبت به زندگی تعیین می‌کند، طرز زندگی منحصر به خودش را دارد و عقیدهٔ آن قاعدهٔ فکری را تشکیل می‌دهد که هر فکری بر آن بنیان گذاشته شود. راه‌حل تمام مشکلات و بحران‌هایی که انسان در تمام بخش‌های زندگی به آن مواجه می‌شود، از اسلام نشأت می‌گیرد؛ زیرا اسلام دینی است که دولتی از خود دارد.

عقیدهٔ اسلامی طوری آمده است که باورمند خود را وادار می‌سازد تا امور خود و اطرافیانش را بر اساس اسلام، احکام و راه‌حل‌های آن به پیش ببرد تا بشریت را نجات دهد و دستش را گرفته به ساحل امان برساند.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [انبیاء: 107]

ترجمه: و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

اسلام نیامده تا ملت‌ها را استعمار کند، سرمایه‌های شان را چپاول نماید. اسلام در میان مردم بر اساس رنگ و جنس یا مکان اجتماعی شان یا بر اساس ثروت و فقرشان فرق قایل نمی‌شود؛ زیرا معیار برتری را در میان مردم بر اساس تقوی قرار داده است.

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ [حجرات: 13]

ترجمه: بی‌گمان، گرامی‌ترین شما در نزد الله متقی‌ترین شماست.

از نگاه اقتصادی، اسلام در مورد مشکلات اقتصادی به این نظر است که این مشکل در توزیع ثروت نهفته است، نه در افزایش تولیدات. به همین جهت احکامی را برای تضمین عدالت در توزیع تشریح نموده، ملکیت‌ها را به سه دسته: خاص، عام و ملکیت دولتی تقسیم نموده و مسئولیت برآورده کردن حاجات اساسی مردم از قبیل خوراک، پوشاک، تعلیم، طبابت و امنیت را به دوش

دولت واگذار کرده است. اسلام از نگاه اجتماعی روابط بین مرد و زن را تنظیم نموده و برای هرکدام شان حقوق و واجباتی تعیین کرده است. اسلام ازدواج را به عنوان تنها طریقه شرعی اشباع میل جنسی و استمرار نسل قرار داده و خانواده‌ها را بر اساس دوستی و مهربانی و آرامش بنیان نهاده، نه بر اساس کشمکش و دعوا و جنجال. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [روم: 21]

ترجمه: از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسران‌تان علاقه شدید و رحمت قرار داد؛ بی‌شک در این (نعمت الهی) برای گروهی که می‌اندیشند، نشانه‌های قطعی است. اسلام احکامی را مانند فروانداختن چشم و تحریم تبرج و خلوت برای حفاظت جامعه و نگهداشت ارزش‌های آن تشریح نموده است؛ اسلامی که متحقق شدن عدل و زندگی با کرامت را برای بشریت توسط تشریح خود ضمانت نموده است.

باید دانست که متحقق شدن این هدف بزرگ را از طریق تطبیق آن توسط دولت تضمین کرده است. به همین اساس دولت در اسلام دولت رعایت است، نه دولت مالیات‌گیری؛ زیرا خلیفه‌اش از این می‌ترسد که الله سبحانه و تعالی او را محاسبه می‌کند؛ حتی اگر حیوانی در زیر حاکمیت او آسیب ببیند. پس در مورد انسان چگونه خواهد بود؟

تاریخ شاهد است که آنچه را غیر مسلمانان می‌پرستیدند و به آن معتقد بودند، رها کرده‌اند و ثبت است که چگونه در سایه حکومت خلافت زندگی می‌کردند؛ بر آن‌ها و برای آن‌ها بدون تبعیض و نژادپرستی همان عدالتی بود که مسلمانان داشتند. تاریخ شاهد عدالت حکومت خلافت و نحوه برخورد آن در سیاست خارجی‌اش با سایر کشورها بوده و این که چگونه برای دفع ظلم و جواب کمک می‌شتافت؛ حتی اگر کمک برای غیرمسلمان می‌بود. فرانسه از سلطان سلیمان قانونی برای رهایی پادشاهش از اسارت کمک گرفت و چنانکه خلافت عثمانی، یهودیان را از ظلم تفتیش عقاید در اسپانیا آزاد کرد.

زمان آن فرا رسیده که امت اسلامی جایگاه برتر خود را در جهان باز یابد و دولت خود را تأسیس کند که خیر و عدالت را در سراسر جهان گسترش دهد. زمان بازگشت دومین خلافت راشده بر منهج نبوت فرا رسیده است.

مترجم: احمد صادق امین